



در تقسیم‌بندی انقلاب‌ها، برخی انقلاب‌ها جزو انقلاب‌های کبیر قرار می‌گیرند. این انقلاب‌ها علاوه بر تغییرات بنیادین در جوامع خود، تاریخ بخش عمده‌ای از جوامع بشری را از جهت ارزش‌های بنیادین، شیوه‌ها و ابزارها دگرگون می‌کنند و به عنوان منبعی برای الهام سایر جنبش‌های انقلابی قرار می‌گیرند. بر اساس منطقی درست‌ارزیابی، از ۳ انقلاب کبیر می‌توان نام برد: انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و انقلاب ۱۳۵۷ اسلامی ایران. هدف نهایی انقلاب اسلامی نه تغییر یک نظام سیاسی به نظام سیاسی دیگر، بلکه درانداختن طرحی نو و رقم زدن عالمی جدید بر پایه دین، اخلاق، علم و عقلانیت بود. انقلاب اسلامی نقطه عطفی برای بازگشت دین به عرصه حیات سیاسی و اجتماعی و مدیدن روح در جهان بی‌روح بود. در اصل چهارم قانون اساسی چنین آمده است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامسی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد». در اصل ۹۶ قانون اساسی از شورای

روایتی متفاوت از آنچه در دیدار شاعران بارهبر انقلاب می‌گذرد

- شب شعر بیت رهبری!**

اصطلاحی بین جامعه شاعران رایج شده است که درست یا غلط دیدار شاعران بارهبر انقلاب را «شب شعر بیت رهبری» می‌نامند اما آنچه در ده‌ها و شاید صدها شب شعر که هر سال در کشور برگزار می‌شود می‌گذرد، بسیار متفاوت با دیدار شاعران بارهبر انقلاب است. در شب‌های شعر، مرسوم این است که مجری شاعری را صدا می‌زند، وی پشت تریبون رفته و شعرش را می‌خواند و به همین ترتیب جلسه تمام می‌شود. دیگر هیچ اهمیتی ندارد که شعری که خوانده شده، شاهکاری در ادبیات است یا شعری ضعیف و سطحی؛ دقیقاً برخلاف آنچه در شب‌های نیمه رمضان در بیت رهبری برگزار می‌شود!

اینجاشاعر در حین شعرخوانی اگر لازم باشد از سوی «آقا» تحسین می‌شُود و اگر ایشان نکته‌ای را لازم بدانند حتماً متذکر می‌شوند؛ دقیقاً همان کاری که انجمن‌های ریشه‌دار شاعرپرور انجام می‌دهند.

به عبارت دیگر رهبر انقلاب هرگز فقط به محتوا فکر نمی‌کنند، بلکه از حساسیت‌شان روی شعرها می‌شود فهمید که چقدر سالم بودن و تمیز بودن ساختار شعر، برای شاعر، اهمیت دارد. به‌عنوان مثال در مواجهه با این بیت از رضا صالحی که سروده بود:

یوسف از دامان پاکش حبس و زندان دیده است/ کام یونس از جهان، کام نهنگی بیش نیست

رهبری «حبس و زندان» را تکراری بی‌وجه می‌دانند که همان حشو و از عبوب

بلاغی است.

یا هنگامی که افشین علا به این بیت می‌رسد: یک روز پدر به‌خاطر قرض/ با غصه و آه و اخم بسیار صبحانه‌خورد/ رفت کنجی/ تاصبح نشسته بود بی‌دار

تذکر منطقی رهبری درباره رعایت نکردن زمانی در شعر و اینکه: نمی‌شود کسی صبحانه نخورد و تا صبح بیدار باشد هم، خود گواه بر حساسیت بر سالم بودن شعرهاست.

یا نقدی که به شعر سیدعلی شکراللهی و شعرهای دیگر وارد کردند و…

این روند نکته‌سنجی آنقدر شدید می‌شود که مجری مراسم می‌گوید «مدام به شورای ۸ نفره می‌گوییم دقت کنند اما باز آقا نکاتی را پیدا می‌کنند».

- دغدغه‌های بزرگ**

آنچه رهبر انقلاب هر سال به‌عنوان صحبت‌های پایانی می‌فرماید دغدغه کلی دلسوزان ادبیات انقلاب است؛ دغدغه‌هایی که چه‌سا از چشم‌مدیران فرهنگی نیز دور مانده: از «حیای سرود» و «ورود جوانان به عرصه نوحه‌سرایی و هجو» و «حفظ عفت هزارساله شعر پارسی» تا جمله‌ای مثل «تعداد لایک‌های فضای مجازی ملاک ارزش یک مطلب نیست»، همه و همه خط‌مشی‌هایی است که رهبر معظم انقلاب در همین جلسه تعیین کردند و بر شاعران انقلاب اسلامی فرض است این مسائل را با جدیت دنبال کنند؛ هر چند در همین لحظه هم می‌توان نتیجه این سیاست‌گذاری را در رشد جریان شعر انقلاب مشاهده کرد.

✽ **شاعر از خمینی شهر اصفهان**

تفوق گفتمانی انقلاب اسلامی بر الگوی توسعه غربی

اگر در یاری حق کوتاهی نکنید…!

- ✽ **فرزاد جهان‌بین**

هم خانه و خانواده مهم است. این دو چگونهِ ما به هم جمع می‌شوند؟ این یک مساله جدید است.

انقلاب اسلامی ضمن پذیرش ضرورت مدیریت فرهنگ، بر اصل آزادی و اصل عاملیت انسان تاکید می‌کند. این دو با چه مدلی قابل جمعند؟

ب- حل مسائلی با توجه به نوع مسائل و پیچیدگی انسان و جامعه و یافت تاریخی، اجتماعی، داخلی و خارجی که در آن، مسائل طرح شده است، پیچیده و زمانبر است. خم رنگرزی وجود ندارد که نچها را در آن بیندازیم و رنگ شده بیرون بیآوریم.

پ- حل مسائلی به صورت طبیعی و فرآیندی و در سایه تضارب آرا اتفاق می‌افتد و وابسته به ده‌ها متغیر است و حل آنها به صورت دستوری و اِبلاغی مقدور نیست. بدون همسویی اراده و هدف اجزا با اراده و هدف کل، امکان حل مسائل وجود ندارد.

ت- این مسیر چون فرآیندی و پیچیده است، لذا باید از نگاه صفر و یکی به آرمان‌ها پرهیز کرد. به عنوان نمونه، عدالت که در مقام وصف، وسیع‌ترین است در مقام عمل با سختی‌ها و تنگنای‌های بسیاری روبه‌رو می‌شود. عدالت جنسیتی، عدالت اقتصادی، عدالت سیاسی، عدالت فرهنگی، عدالت آموزشی و عدالت قضایی. در برخی از این حوزه‌های عدالت پیشرفت‌های جدی وجود دارد و در برخی حوزه‌ها کمتر.

حضرت علی(ع) هم که در راس حکومت باشند باید بعضاً کاری را انجام بدهند که نمی‌خواهند و بعضاً کاری را ترک کنند که مایل به انجام آند. همچنین لازم است عرض کنم شخص امیرمومنان و حکومتاری ایشان، عدل است اما در همین حکومت به جهت همان پیچیدگی هـا، موارد متعددی را شاهدیم که حضرت علی(ع) به رغم اعلام، موفق به انجام نشدند. نهج‌البلاغه مملو از نامه‌هایی است که حضرت به استانداران و فرمانداران خطای نوشته‌اند. نامه‌های ۵، ۱۰، ۱۳، ۲۰، ۲۳، ۴۱، ۴۳ و ۴۵ نمونه‌هایی از ایـن

دستند. بی‌شک علی(ع) و حکومتاری ایشان الگوی ما است اما به بهانه حکومت علوی، کوبیدن جمهوری اسلامی را شیطنت یا نادانی می‌دانم که اگر همین‌ها در زمان حکومت حضرت بودند، به احتمال قوی از ۳ گزینه همراهی، عزلت و تقابل، سومی را برمی‌گزیدند. بر اساس آنچه عرض شد توجه به ۲ اولویت و تمرکز بر آنها را در دهه پنجم حیات جمهوری اسلامی ضروری می‌دانم که امیرمومنان فرمودند: «هن اوما لی متفاوتة فخلتله الحیل؛ کسی که به کارهای گوناگون بپردازد و بر اولویت‌ها متمرکز نشود، خوار می‌شود». اول: در باغبانی فرهنگ عمومی، تلاش کنیم نگاه بلندمدت و پیچیدگی در فهم، در شاکله جامعه نهادینه شود. شاید متوجه نباشیم اما وقتی به مردم می‌گوییم مشکلات را در ۱۰۰ روز یا در ۳ ماه یا ۴۰ روز می‌توانیم حل کنیم یا به اولویت‌ها مانند آنچه در دانشگاه شاهد درباره تمدن نوین اسلامی و مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی می‌زنیم، در واقع کمک می‌کنیم فهم جامعه از مسائل و راه‌حل‌ها سطحی شود و جامعه به سمت کوتاه‌مدت بودن سوق پیدا کند. جامعه را باید واقع‌بین و فقیه بار آورد و نه مقلد، مطیع و خیال‌پرداز که امیرمومنان به مالک فرمودند: «هیچگاه به مردم نگو به من امر شده است». پس امر می‌کنم و باید اطاعت شوم». جامعه سطحی، توان ایستادگی در برابر پیچیدگی‌های ناشی از حیات اجتماعی را ندارد. در این بخش از عرایض، توجه همگان را به اهمیت سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جلب می‌کنم. دوم: تحول بنیادین در علوم انسانی به نقطه کانونی توجه تبدیل شود. این موضوع با سر‌نوشت انقلاب گره خورده است. به لطف خداوند متعال، طی سال‌های گذشته با مجاهدت جمع کثیری از اساتید حوزه و دانشگاه، گفتمان علوم انسانی اسلامی شکل گرفته و روز به روز بر ابعاد و دامنه تاثیر آن افزوده شده است. این گفتمان به مدد قوت گفتمانی و طی یک فرآیند و بتدریج، انحصار و تکمدنایی روشنفکری سکولار را شکسته و باب جدیدی را باز کرده است و

اینک این محتوا و این شبکه چند هزار نفری اساتید پیشکسوت و جوان، آمادگی نقش‌آفرینی در عرصه تحول رسمی در تغییر سرفصل‌ها و تدوین متون را دارند. علاوه بر فشارهای سیاسی که طبیعی است، برخی تنگ‌نظری‌ها و اشغال صف توسط ستاد، کار را با سختی مواجه می‌کند. البته می‌دانم جز با تغییر مدیریت و جو‌نگرایی، تغییری در کار ایجاد نخواهد شد، چرا که رفتارها تابع ذهنیت‌ها هستند. چنانچه ان‌شاءالله حمایت لازم از این جریان‌ها شود، شاهد شکوفایی دوچندان کار در پایان دهه پنجم انقلاب خواهیم بود. برپایی کرسی‌های نظریه‌پردازی، برگزاری همایش‌های علمی قوی، تولید ادبیات علمی، راه‌اندازی رشته‌هایی در مقطع دکترا و تربیت نیرو ناظر به اولویت‌ها مانند آنچه در دانشگاه شاهد درباره تمدن نوین اسلامی و مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی در حال انجام است، بسیار گره‌گشا خواهد بود. به‌رغم واقعیت‌سازی‌های کاذبی که به مدد رسانه‌های دشمن شکل می‌گیرد، گفتمان انقلاب اسلامی الگوی توسعه غربی را به چالش کشیده و ان‌شاءالله، به فضل الهی و به پشتوانه نیروی مومن، مجاهد و عالم که مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی است، تفوق گفتمانی خواهد یافت و جاهلیت مدرن، توان ایستادگی در مقابل بعثت جدید را ندارد. در پایان، مایلم عرایضم را با این کلام نورانی امیرمومنان به اتمام برسانم که فرمودند: «لَوْ لَمْ تَسْتَخَالِدُوا عَنْ نَصْرِ الْحَقِّ وَ لَمْ تَهِنُوا عَنْ تَوْهِينِ الْبَاطِلِ، لَمْ يَطْعَفْ فِيكُمْ مِنْ لَيْسٍ مِثْلِكُمْ وَ لَمْ يَقَوْ مِنْ قَوَى عَلَيَّكُمْ!». اگر در یاری حق کوتاهی نکنید و در خوار کردن باطل سستی ننمایید، کسانی که همپایه شما نیستند، در شما طمع نمی‌کنند و هیچ قدرتی نیز بر شما مسلط نمی‌شود».

✽ **متن فوق در دیدار جمعی از اساتید، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها بارهبر حکیم انقلاب در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۹۷ اراده شد**

در جهان غرب حقیقت در خطر است

جهت اتهامات آزار جنسی باید به سوئد بازگردد وجود نداشت. هیچ اتهامی علیه آسانژ توسط داستانی سوئد صادر نشده بود و هیچ زنی علیه آسانژ اتهامی را مطرح نکرده بود.

این پرونده در اداره دادستانی سوئد بسته شده بود و ۲ زنی که در رسانه‌ها مطرح شده‌اند هیچ اتهامی علیه آسانژ نداشتند. داستان سوئد از واشنگتن خواست این مساله را پایان دهد و به آنها نوشت وی تنها از آسانژ برای پاسخ به سوالاتی خواسته است که به دادستانی برود.

به شکل معمول قانون استرداد مجرمان مشمول کسانی که قرار است مورد پرشش و پاسخ دادگاه قرار بگیرند، نیست، بلکه باید یک اتهام جنایی واقعی علیه شخص وجود داشته باشد و این اتهام به آسانژ وارد نبود. هرچند تحت فشار آمریکا، در جریان موضوع آسانژ یکی از دادگاه‌های فاسد انگلستان شاید برای نخستین‌بار در تاریخ، این قانون را حتی برای افرادی که قرار است مورد پرشش دادگاه قرار بگیرند، قابل اجرا دانست!

وکیل آسانژ متوجه شده بود که اگر موکلش پنهان‌دگی در سفارتخانه را ترک کند و به سوئد برای دادن پاسخ به دادگاه سفر کند، هیچ چیزی برای ممانعت سوئد از بازگرداندن وی به واشنگتن- بر اساس قانون استرداد مجرمان بین آمریکا و سوئد- و شکنجه شدن او برای اعتراف به جرائمی که مرتکب نشده وجود ندارد. بنابراین وکیل آسانژ به دادستان سوئد گفت آسانژ حاضر است در مکانی که پنهانده شده است به سوالات وی پاسخ دهد اما داستان سوئد حاضر به حضور در سفارتخانه اکوادور در لندن- که محل پنهان‌دگی آسانژ بود- و سوال از وی در این مکان نشد. بعد از گذشت چند ماه که رسانه‌ها آسانژ را به عنوان مجرمی که از قانون فرار کرده است، معرفی کردند، دادستان سوئد، رضایت دادگاه برای مصاحبه و صحبت با آسانژ به لندن سفر کند. بعد از این سفر دادستان سوئد با توجه به صحبت‌هایی که با آسانژ کرده بود و با توجه به اینکه هیچ شخص شاکي در این پرونده وجود ندارد، برای دومین بار این پرونده را خاتمه یافته عنوان کرد اما دولت فاسد انگلستان باز هم آسانژ را آزاد نکرد. آنها مدعی بودند آسانژ خواسته است به قید وثیقه آزاد شود ولی اتهامی وجود نداشت که این کار میسر شود.

پنهانده شده است به سوالات وی پاسخ دهد اما داستان سوئد حاضر به حضور در سفارتخانه اکوادور در لندن- که محل پنهان‌دگی آسانژ بود- و سوال از وی در این مکان نشد. بعد از گذشت چند ماه که رسانه‌ها آسانژ را به عنوان مجرمی که از قانون فرار کرده است، معرفی کردند، دادستان سوئد، رضایت دادگاه برای مصاحبه و صحبت با آسانژ به لندن سفر کند. بعد از این سفر دادستان سوئد با توجه به صحبت‌هایی که با آسانژ کرده بود و با توجه به اینکه هیچ شخص شاکي در این پرونده وجود ندارد، برای دومین بار این پرونده را خاتمه یافته عنوان کرد اما دولت فاسد انگلستان باز هم آسانژ را آزاد نکرد. آنها مدعی بودند آسانژ خواسته است به قید وثیقه آزاد شود ولی اتهامی وجود نداشت که این کار میسر شود.

زمانی که این مقاله را می‌نوشتم، هیچ چیزی مرا تایید نکرده این را می‌دانم.اگر خوانندگان این مقاله را تایید نکنند مشکلی برای من به وجود نمی‌آید، چون من این را تنها برای اطلاع خوانندگان نوشتم-ام کشور نمی‌توانند به این پرونده ادامه دهند».

✽ **معاون سابق وزارت خزانه‌داری آمریکا در زمینه سیاست‌های اقتصادی و سردبیر سابق وال‌استریت ژورنال**

روزنه

مردمسالاری در پناه مقاومت

اسرائیل چگونه نابود می‌شود؟

مصطفی غفاری: «شما [صهیونیست‌ها] ۲۵ سال آینده را نخواهید دید.ان‌شاءالله تا ۲۵ سال دیگر، به توفیق الهی و به فضل الهی چیزی به نام رژیم صهیونیستی در منطقه وجود نخواهد داشت». این تعبیر رهبر حکیم انقلاب در ۱۸ شهریور ۹۴، واکنشی بود به ادعای سران رژیم اسرائیل مبنی بر اینکه با برجام، تا ۲۵ سال خیال‌شان از بابت ایران راحت خواهد بود. این سخن حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مورد توجه جدی رسانه‌های داخلی و خارجی قرار گرفت و بازتاب‌ها و پیامدهای گوناگونی داشت.

از نصب تابلوی «روزشمار نابودی اسرائیل» در میدان فلسطین تهران تا واکنش بنیامین نتانیاهو که «این اتفاق هرگز نخواهد افتاد.

اسرائیل قوی است و قوی‌تر خواهد شد».

به هر حال بسیاری از تحلیلگران موافق و مخالف، قدرت موشکی جمهوری اسلامی را ابزار اصلی تحقق وعده رهبر انقلاب تلقی کردند اما «راه حل اساسی» جمهوری اسلامی ایران برای «مسأله اصلی جهان اسلام» که آیت‌الله خامنه‌ای در دیدارهای اخیر خود بر آن تمرکز کرده‌اند، همان «طرح مردمسالارانه»ی است که ۲ دهه پیش در سازمان ملل متحد به ثبت رسیده است: «مثل همه کشورهای آزاد دنیا، مردم فلسطین- فلسطینیان واقعی- باید مورد سؤال قرار بگیرند؛ چه مسلمان‌شان، چه مسیحی‌شان و چه یهودی‌شان؛ آن‌هایی که فلسطینی‌اند، نه آن‌هایی که از جاهای دیگر وارد فلسطین شده‌اند. آرای آن کسانی که فلسطینی هستند باید مورد مراجعه قرار بگیرد و از آنها نظرخواهی بشود و آنها نظام حکومتی کشور فلسطین را معین کنند؛ این نظام حکومتی نسبت به کسانی که وارد این منطقه شده‌اند، [یعنی] صهیونیست‌ها و رؤسای‌شان و بقیه، تصمیم خواهد گرفت. راه‌حل فلسطین جز این نیست و این همان نابود شدن و از بین رفتن رژیم باطل و جعلی صهیونیستی است که امروز بر سر کار است؛ و این امر به‌طور قطع در آینده نه‌چندان دوری به حول و قوه الهی تحقق پیدا خواهد کرد.» (۲۵ خرداد ۹۷)

در برخی رسانه‌های بیگانه‌ای‌گونه تلقی شده است که طرح این سخنان، نوعی عقب‌نشینی تاکتیکی در برابر فشارهای اخیر آمریکا و اروپا برای تنگ‌تر کردن حلقه محاصره اقتصادی ایران بوده است. اما از دید رهبر انقلاب، اقتدار ایران چتری است که می‌تواند فضای حیاتی برای به نتیجه رسیدن مقاومت مردم فلسطین را تأمین کند. ماجراهای تلخ و شیرین و دور و نزدیک در منطقه نیز نشان می‌دهد «سازش با دشمن» هیچ‌گاه نتوانسته پشتوانه مردمسالاری در جهان اسلام باشد؛ دشمن نیز تا جایی که می‌توان داشته باشد مرمسالاری اسلامی را تاب نمی‌آورد.

تجربه سازشکاری یاسر عرفات عملاً به خلع سلاح در برابر اسرائیل منجزاً انجامید و از کار فروبسته ۲۰ ساله فلسطین گرهی نگشوده است. همچنان که هر‌جا مسلمانان مبارز از طریق سازوکارهای انتخاباتی به قدرت رسیده‌اند، جنبه استکبار در برابر آنها ایستاده است؛ از الجزایر ۱۹۹۱ تا ۱۳ مهر ۲۰۱۳، در حالی که گروه‌های سیاسی مورد حمایت ایران، تجربه متفاوتی را رقم زده‌اند. از پیروزی مجلس در انتخابات فلسطین و تشکیل دولت به دست این گروه تا پیروزی اخیر حزب‌الله در انتخابات پارلمانی لبنان، همگی گویای این حقیقت است که مردمسالاری واقعی جزر در پناه مقاومت پدید نیامده و پایدار نمی‌ماند. به این ترتیب، راه‌حل جمهوری اسلامی برای زودن «شده سرطانی اسرائیل» از صفحه منطقه، طرحی دویاپه است که مقاومت و مردمسالاری در آن به هم پیوند خورد‌ه‌اند.

ایران همچنان که فلسطین را برای همیشه خانه فلسطینیان- از هر مذهب و قومی- می‌داند و گستره آن را از نهر تا بحر می‌شناسد، از «حقی بازگشت» آوارگان و پنهان‌دگان، توقف شهرک‌سازی برای مهاجران یهودی و همه‌پرسی از ساکنان اصلی فلسطین حمایت می‌کند که همگی مطابق اصول حقوق بین‌الملل و از لوازم برقراری دموکراسی‌اند. اما برای گرفتن حق ملت فلسطین از رژیم اشغالگری که با تمام این حقوق غیرقابل انکار سر ستیز دارد، راهی جز در دست گرفتن ابتکار عمل و حمایت از مبارزه مشروع نمی‌شناسد؛ نه سازش پرهزبنه‌ای که طمع زهرآگین آن کام ملت‌های منطقه بویژه فلسطینیان را آزرده است.

منبع:khamenei.ir

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲